مشکوة سال چهل‌و سوم / ش ۱۶۴/ پاییز ۱۴۰۳
نوع مقاله: علمی ـ پژوهشی (۲۹ـ ۵۸)

واکاوی مسئلهٔ تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها براساس قرآن و حدیث

جواد ایروانی[۱] ـ منصوره زاهدطلبان[۲] ـ سیدمحمود مرویان حسینی[۳]

چکیده

زیارتگاه‌ها همواره مورد توجه شیعیان بوده و ساخت‌وسازهای بسیاری در محل قبور اولیای الهی ایجاد شده است. دربارهٔ تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باورند که هزینه کردن برای تزیین، براساس احادیث منع تزیین مساجد و روایاتِ پرهیز از اسراف و ترویج ساده‌زیستی، نامطلوب است. این گروه همچنین بر اولویت رفع فقر و تقویت بنیهٔ اقتصادی جامعهٔ اسلامی تأکید می‌کنند. درمقابل، موافقان به آیات و روایات مربوط به تعظیم شعائر و عمران مساجد و زیارتگاه‌ها استناد کرده و تزیین را ابزاری برای تقویت هویت دینی و فرهنگی، ایجاد فضای روح‌انگیز و توجه به مقاصد شریعت می‌دانند. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و توصیفی ـ تحلیلی نوشته شده و دستاوردهای آن نشان‌دهندهٔ این امر است که تزیین زیارتگاه‌ها درصورت رعایت اعتدال با توجه به نیازهای زائران و آثار اجتماعی و سیاسی آن، مطلوب است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، اماکن مقدس، تزیین زیارتگاه، تعظیم شعائر، اسراف.

---

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسندهٔ مسئول). irvani_javad@yahoo.com
۲. دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. zahedmansore3@gmail.com
۳. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. marvian@razavi.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۰ـ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

مقدّمه

زیارتگاه‌ها به‌ویژه در بین شیعیان همواره از تقدس و اهمیت بالایی برخوردار بوده و توجه ویژه‌ای به ساخت‌وساز و تزیینات آن‌ها وجود داشته؛ بااین‌حال دربارهٔ طلاکاری این اماکن بحث‌هایی مطرح بوده است. از سویی قرآن کریم در هیچ آیه‌ای برای تزیینات گسترده جوازی ارائه نمی‌دهد و روایات موجود نیز رویکردی منفی به این کار دارند و از سوی دیگر، گرایش جامعهٔ شیعی به تزیین و طلاکاری این اماکن، به‌ویژه بقاع امامزادگان و با اسناد کم‌اعتبار افزایش یافته است. مسئلهٔ تحقیق حاضر این است که آیا تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها براساس نصوص دینی جواز و مطلوبیت دارد یا نه و در صورت جواز، حدّ و حدود آن چیست؟

اگرچه پژوهش‌هایی دربارهٔ اصل ساخت بارگاه‌ها و حرم‌ها صورت گرفته، امّا دربارهٔ تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها تحقیقات مستقلی به‌طور خاص انجام نشده؛ چنان‌که در مقالهٔ «ساختن حرم و بارگاه از منظر قرآن کریم، سنّت و سیرهٔ مسلمانان» از احمدرضا درویشی و محمّدرضا پیری مبانی قرآنی و حدیثی مرتبط با ساخت بارگاه‌ها و حرم‌ها بررسی شده است. همچنین در منابعی مانند **کشف الارتیاب** سیّد محسن امین، **هذه هی الوهابیه** محمّدجواد مغنیه و **آیین وهابیت** آیت‌الله سبحانی دیدگاه‌های وهابیون دربارهٔ ساخت بارگاه‌ها نقد و تحلیل شده است. در کتاب **مساجد در عصر ظهور** از حسن زمانی نیز به سادگی و بی‌آلایشی مساجد در عصر ظهور پرداخته شده؛ چنان‌که در فصل «احیای مساجد» تنها به ذکر روایات مرتبط با سادگی مساجد بسنده شده و تحلیل عمیق‌تری دربارهٔ تزیینات و طلاکاری‌ها ارائه نشده است. در مقالهٔ «بازشناسی الگوی معماری مسجد» نوشتهٔ محمّدسعید فهندژسعدی نیز به بررسی تاریخی معماری مساجد و مقایسهٔ آن با ساخت مسجدالنبی توسط پیامبر اسلام ﷺ پرداخته شده؛ اما به تزیینات و طلاکاری‌ها توجهی نشده است.

وجه نوآوری پژوهش حاضر تمرکز بر تحلیل دقیق ادلّهٔ ضرورت تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها و همچنین نقد دلایل نامطلوب بودن تزیین آن است.

دربارهٔ جواز و مطلوبیت یا منع و عدم مطلوبیت تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها، دلایل متعددی قابل ارائه است که به طرح و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. دلایل نامطلوب بودن تزیین

نامطلوب بودن تزیین زیارتگاه‌ها می‌تواند مستند به دلایلی شود که ارزیابی و میزان دلالت آن‌ها ـ بر منع یا صرفاً عدم مطلوبیت ـ به بررسی نیاز دارد. این ادلّه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱ـ۱. ادلهٔ نهی از ساخت قبور

در قرآن هیچ آیه‌ای در تأیید و مشروعیت‌بخشی به ساخت بناهای زیارتی برای صالحان و مؤمنان وجود ندارد؛ بلکه توصیهٔ اکید و مکرر قرآن بر ساخت و عمران مساجد است و نه مشاهد (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۵/ ۲۹۱). روایاتی نیز دربارهٔ نهی از «اتخاذ قبور به‌عنوان مساجد» وجود دارد (بخاری، ۱۴۰۳: ۵/ ۱۳۹). بنابراین چگونه می‌توان تزیین زیارتگاه‌ها را مطلوب دانست؟

۱ـ۲. مفاد روایات منع یا نامطلوب بودن تشریفات و تجمل در مساجد و تعمیم آن به زیارتگاه‌ها

در روایات پرشمار، تزیینات و سازه‌های غیرلازم در مساجد نهی و نکوهش شده است. در این دلیل بیش از دیگر دلایل به روایات استناد شده؛ ازاین‌رو با تفصیل بیشتری بررسی می‌شود:

الف) نهی از تزیین مساجد

در روایات متعددی تزیین مساجد نکوهش شده است:

ـ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مساجد خود را با طلا زینت نکنید؛ چنان‌که یهود و نصاری معابد خود را با طلا زینت کردند» (نوری، ۱۴۰۸: ۳/ ۳۷۱ـ ۳۷۲).

ـ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «تنها ظاهری از این زندگی دنیوی را می‌دانند و از آخرت غافل‌اند.

خانه‌ها می‌سازند و قصرها بر پای می‌دارند و مساجد را با طلا زینت می‌کنند» (طبرسی، ۱۴۱۴: ۴۴۹).

ـ «همچنین فرمود: هنگامی که دیدید قرآن‌ها آراسته و مساجد تزیین و مناره‌ها طولانی شده و قرآن به‌صورت آهنگین تلاوت می‌شود، ... مؤمن در آن زمان از طلای سرخ کمیاب‌تر است. مساجد آنان آراسته و بدن‌هایشان پاکیزه، ولی دل‌های آنان از مردار بدبوی‌تر است» (فتال نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲/ ۳۳۸).

ـ «در حدیثی قدسی آمده است: خانه‌ها را برایم برافراشته می‌سازند و مسجدها را برای من آذین می‌بندند. مرا چه نیاز به ... آراستن مسجدهایی که در آن‌ها وارد نمی‌شوم! ... درحالی‌که جان‌ها و خردها و دل‌هایشان را آلوده کرده و ویران می‌سازند» (دینوری، ۱۳۴۳: ۲/ ۲۶۴).

ـ «پیامبر خدا ﷺ در بیان نشانه‌های آخرالزمان فرمود: ای سلمان، در آن هنگام مسجدها همچون کلیساها و کنیسه‌ها زینت می‌شوند» (مجلسی، ۱۳۸۰: ۶/ ۳۰۷؛ سیوطی، ۱۴۰۵: ۷/ ۴۷۴؛ قمی، بی‌تا: ۲/ ۳۰۵).

ـ «امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «هرگاه مردم مسجدهایشان را بیارایند، کردارشان تباه شده است» (صنعانی، بی‌تا: ۳/ ۱۵۴).

روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد.

در این روایات، از تزیین مساجد با تعبیرهای «زینت، حلیه و زخرف» انتقاد شده است. کارکرد اصلی زیارتگاه‌ها نیز مانند مساجد ذکر، دعا، توسل و معنویت است و اگر تزیین و طلاکاری مساجد نامطلوب یا ممنوع شده، در زیارتگاه‌ها نیز همین حکم جاری و ساری است.

ب) روایات خودداری پیامبر ﷺ از گل‌اندود کردن سقف مسجد

در روایاتی، خودداری پیامبر ﷺ از گل‌اندود کردن سقف مسجد گزارش شده؛ از جمله:

«امام صادق علیه‌السلام فرمود: ... زمانی که جمعیت مسلمانان رو به فزونی نهاد، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درخواست کردند دستور توسعهٔ مسجد را صادر کند و حضرت چنین کرد ... سپس گرما شدت گرفت و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خواستند دستور دهد بر آن سایبان قرار دهند و حضرت دستور داد از شاخه‌های درختان سایه بسازند ... تا اینکه باران بارید، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواستند دستور دهد سقف مسجد را گل‌اندود کنند، حضرت نپذیرفت و فرمود: سایبانی همچون سایبان موسی علیه‌السلام ...» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۹۵_ ۲۹۶).

براساس این روایت، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با توسعه و ساخت سایبان مسجد موافقت کردند؛ ولی با گل‌اندود کردن سقف مخالفت. این امر نشان می‌دهد که در بناهای دینی باید فقط در حد رفع نیاز ساخت‌وساز کرد و نه برای تشریفات و تزیین.

ج) تخریب سقف مساجد در عصر ظهور

براساس روایات، در عصر ظهور سقف مساجد تخریب شده، به سایبان بسنده می‌شود: «امام باقر علیه‌السلام فرمود: اولین اقدام قائم ما این است که سقف‌های مساجد را درهم می‌شکند و دستور می‌دهد صرفاً سایبانی همچون سایبان موسی علیه‌السلام بر آن‌ها نهند» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۳۶؛ کاشانی، ۱۴۰۶: ۷/ ۴۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۰۷) و این نیز می‌تواند نامطلوب بودن هزینه‌های اضافی برای تزیین را به طریق اولی اثبات کند.

د) کراهت نماز در مساجد مظلله

«حلبی گوید: از امام علیه‌السلام دربارهٔ مساجد دارای سایبان (مظلله) پرسیدم که آیا ایستادن در آن‌ها کراهت دارد، فرمود: بله، ولی نماز در آن‌ها برای شما امروزه زیانی ندارد؛ ولی اگر [حکومت] عدل بر پا شود، خواهید دید که با آن‌ها چه می‌کنند» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۳۵). براساس این‌گونه روایات، حتی توقف در مساجد سایه‌دار نامطلوب است؛ اگرچه در زمان کنونی و پیش از عصر ظهور، نمازخواندن در این مساجد منعی ندارد. بنابراین، به طریق اولی تزیین اماکن مقدس نامطلوب می‌نماید.

هـ) نهی از ساخت کنگره، مناره و مقصوره برای مساجد و نکوهش آن

در روایات متعددی، ساخت کنگره، مناره و مقصوره برای مساجد منع یا نکوهش شده است؛ از جمله:

ـ «علی علیه‌السلام مسجدی دارای کنگره را در کوفه مشاهده کرد، فرمود: ... مساجد نباید کنگره داشته باشند و باید بدون آن بنا شوند» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۳).

ـ «امام باقر علیه‌السلام فرمود: زمانی که قائم قیام کند، مسجدی دارای کنگره بر روی زمین باقی نخواهد ماند؛ مگر آنکه آن را ویران کند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۱۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۴۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲/ ۲۹۱).

ـ «امیرمؤمنان علیه‌السلام از کنار منارهٔ بلندی گذشت، پس دستور داد آن را ویران کنند و فرمود: مناره نباید از پشت بام مسجد بلندتر باشد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷/ ۴۹۴).

ـ «از امام کاظم علیه‌السلام دربارهٔ اذان روی مناره پرسیده شد که آیا سنّت است؟ فرمود: برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روی زمین اذان گفته می‌شد و در آن زمان مناره‌ای نبود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵/ ۲۳۰).

ـ «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: زمانی که دیدید مناره‌ها بلند می‌شود ... مؤمن در آن زمان از طلای سرخ کمیاب‌تر است» (فتّال نیشابوری، ۱۴۰۶: ۲/ ۳۳۸).

ـ «زمانی که علی علیه‌السلام محراب‌هایی در مساجد می‌دید، آن‌ها را درهم می‌شکست» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۳۶).

ـ «امام باقر علیه‌السلام فرمود: ... این مقصوره‌ها را جبّاران احداث کردند» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۳۸۶ـ ۳۸۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۸/ ۴۰۷ـ ۴۰۸).

بدیهی است کنگره، مناره و مقصوره جزء تشریفات مساجد است و رویکرد منفی به ساخت آن‌ها در واقع رویکرد منفی به تشریفات و تزیین اماکن مقدس قلمداد می‌شود.

و) نامطلوب بودن تصویرگری مساجد

در روایات، تصویرگری مساجد نیز نکوهش شده است: «از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ نماز در مساجد دارای تصاویر سؤال شد، فرمود: آن‌ها را ناخوش دارم؛ ولی امروزه زیانی به شما ندارد و اگر [حکومت] عدل بر پا شود، خواهید دید با آن‌ها چه می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۳۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۹).

وجود تصویر در مسجد، نمونه و نماد بارز تزیین است و نکوهش آن می‌تواند نامطلوب بودن هرگونه تزیین و تجمل در اماکن مقدس را نشان دهد. شهید اوّل در کتاب **ذکری** تصریح می‌کند که مشاهد به‌علت شباهت به مساجد باید به آن‌ها ملحق شوند (عاملی، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۷۸). ازاین‌رو احکام مساجد، دست‌کم بخش عمدهٔ آن‌ها، بر مشاهد نیز جاری است. شهید اوّل این الحاق را از نظر شرعی معتبر دانسته و براین‌اساس به حرمت تنجیس مشاهد حکم داده است. محقق کرکی نیز در بحث حج و احکام آن اشاره کرده که مشاهد مشرفه و مسجدالنبی در یک جایگاه قرار دارند و احکام حرم شامل این مکان‌ها نیز می‌شود (عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۵/ ۱۰). بنابراین همان‌گونه که حفظ قداست و اجتناب از تجملات در مساجد لازم است، این نکات در مشاهد نیز باید رعایت شود. این تعمیم به‌علت شباهت‌های موجود میان مساجد و زیارتگاه‌ها، به‌عنوان مکان‌های مقدس و عبادتگاه‌هایی است که باید از تزیینات دنیوی و تجملات خالی باشند تا قداست و فضای معنوی آن‌ها حفظ شود.

۱ـ۳. مذاق شریعت در ترویج ساده‌زیستی و نفی تجمل‌گرایی

در اسلام زهد و پرهیز از تجملات یکی از اصول اساسی است. فراوانی آیات و روایات در این زمینه درکنار سیرهٔ اولیای الهی بر پرهیز از تشریفات و پرهیز دادن از تجمل‌گرایی و ترغیب به ساده‌زیستی، از شرح و تفصیل بی‌نیاز است؛ برای نمونه امیرمؤمنان علیه‌السلام پس از تبیین ابعاد ساده‌زیستی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأَسَّى» (شریف الرضی، مصحح: صالح صبحی، ۱۴۱۴ : خطبه ۱۶۰)؛ پس به

پیامبر پاک خود اقتدا کن که او الگوی کسی است که بخواهد الگو گیرد. از سوی دیگر، مراکز عبادت و معنویت همچون زیارتگاه‌ها بیش از مکان‌های دیگر به سادگی و بی‌پیرایگی نیاز دارند تا نماد و نمود گسست از مادیات و ترغیب به معنویات باشند و این با طلاکاری و تزیینات خیره‌کنندهٔ زیارتگاه‌ها سازگاری ندارد.

۱ـ ۴. نصوص ناهیه از اسراف و هدر دادن سرمایه‌ها

ممنوعیت هدر دادن سرمایه‌ها را می‌توان از اصول مسلّم شریعت برشمرد؛ چنان‌که قرآن کریم از اسراف (اعراف/ ۳۱) و تبذیر (اسراء/ ۲۷) نهی کرده است. انباشت حجم فراوانی از طلا در تزیین زیارتگاه‌ها و نیز تزیینات (آینه‌کاری و ...) این مکان‌ها دست‌کم آنجا که عرف آن را خارج از حد متعارف می‌بیند، می‌تواند مصداقی از اسراف و هدر دادن منابع قلمداد شود.

۱ـ ۵. اولویت رفع فقر و تقویت بنیهٔ اقتصادی جامعهٔ اسلامی

بی‌تردید عدالت اقتصادی و رفع فقر از اهداف مهم نظام اسلامی است. صرف هزینه‌های هنگفت برای تزیین زیارتگاه‌ها و انباشت طلا در ساخت آن‌ها با این اهداف در تضاد است؛ زیرا این سرمایه‌ها باید در شریان اقتصادی به گردش درآمده و برای فعالیت‌های اقتصادی یا رفع فقر هزینه شوند. آیهٔ کنز به این نکته اشاره دارد: ﴿**وَ الَّذينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها في سَبيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَليمٍ**﴾ (توبه/ ۳۴).

علامه طباطبایی این آیه را ناظر به اموالی می‌داند که از چرخهٔ اقتصادی خارج شده و مالکان از پرداخت حقوق مالی و به‌کارگیری آن‌ها برای حل مشکلات جامعه خودداری می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/ ۲۵۰). بنابراین خارج کردن اموالی هنگفت از چرخهٔ اقتصادی به شکل طلاکاری اماکن ممکن است آثاری مشابه کنز درپی داشته باشد.

۲. نقد و بررسی دلایل نامطلوب بودن تزیین

دلایل یادشده برای اثبات ممنوعیت یا نامطلوب بودن تزیین زیارتگاه‌ها نقدپذیر است:

۲ـ ۱. نقد دلیل اوّل

در نقد و بررسی این مطلب چند نکته یادکردنی است:

الف) بی‌تردید ذکر نشدن مطلبی در قرآن بر عدم مشروعیت یا بدعت بودن آن دلالت نمی‌کند؛ چراکه منابع شریعت به قرآن اختصاص ندارد و سنّت نیز جزء آن است. از سوی دیگر به‌تصریح روایات اهل‌سنت، ساخت دیوار در اطراف قبر پیامبر ﷺ و قبور ابوبکر و عمر به دورهٔ خلفای راشدین برمی‌گردد. براساس روایت ابن‌سعد، نخستین کسی که دور خانهٔ پیامبر ﷺ و محل دفن آن بزرگوار دیوار ساخت، عمر بن خطاب بود (ابن سعد، بی‌تا: ۲/ ۲۹۴). همچنین از عایشه نقل شده که پس از دفن عمر، در اطراف قبر پیامبر ﷺ و قبور ابوبکر و عمر دیوار بنا کردند (ابن سعد، بی‌تا: ۳/ ۳۶۴؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰/ ۴۳۸). بنابراین طبق افکار ابن‌تیمیه و پیروانش، اولین بدعت‌گذاران دراین‌باره خلفا و صحابهٔ پیامبر ﷺ بوده‌اند!

ب) اگرچه در قرآن آیه‌ای به‌صراحت بر مشروعیت و مطلوبیت ساخت حرم و بارگاه دلالت نمی‌کند، آیه‌ای در منع و نهی آن نیز وجود ندارد؛ بلکه از برخی آیات ممکن است اصل مشروعیت آن نیز برداشت شود؛ از جمله: آیهٔ «رفعت بیوت (نور/ ۳۶)» (سبحانی، بی‌تا: ۲۰۷ـ ۲۰۹) و آیهٔ «تعظیم شعائر» (حج/ ۳۲) که ضمن ادلهٔ مطلوبیت خواهد آمد و آیهٔ ساخت بنا روی قبور اصحاب کهف: ﴿**... فَقالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْياناً رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً**﴾ (کهف/ ۲۱).

قرآن در آیهٔ یادشده موضوع «ساخت مسجد بر روی جایگاه آنان» را با لحنی موافق و تأییدگونه آورده و این نشان می‌دهد که ساختن معبد به‌احترام قبور بزرگان دین نه‌تنها حرام نیست، بلکه کاری شایسته است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۲/ ۳۸۷ـ ۳۸۸). برخی از مفسران «عبادت مردم در مسجد به برکت آنان» و «حفظ آثار صالحان» را فلسفهٔ ساخت مسجد بر مزار اصحاب کهف دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا: ۷/ ۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۳/ ۲۳۷). برخی از مفسران اهل‌سنت نیز با رویکردی مثبت و تأییدگونه، ساختن مسجد به‌وسیلهٔ مؤمنان بر روی قبر اصحاب کهف را برای تبرک جستن به آنان

بیان کرده (زمخشری، بی‌تا: ۲/ ۷۱۱) یا حفظ آثار آنان را هدف از این کار دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۱/ ۴۴۷).

دلیل آن دسته از مفسران اهل‌سنت که ساختن مسجد بر قبور را حرام می‌دانند (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۱/ ۳۷۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۷/ ۱۶)، روایاتی است که در آن‌ها از اتخاذ مسجد بر قبور پیامبران نهی شده است (بخاری، ۱۴۰۳: ۵/ ۱۳۹).

در منابع حدیثی شیعه نیز روایاتی دراین‌باره گزارش شده: «سماعه گوید: از او [امام] دربارهٔ زیارت قبور و ساخت مسجد در آن پرسیدم، فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد؛ ولی مسجد آنجا بنا نشود» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۲۸؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷۸). همچنین «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: قبر مرا به‌عنوان قبله یا مسجد نگیرید؛ چراکه خداوند یهود را لعن کرد زمانی که قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند» (صدوق، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۷۸).

در تحلیل و تفسیر این روایات، مطالب مفصلی از عالمان شیعه و اهل‌سنت نقل شده است:

شهید اوّل در تحلیل کلّی روایات شیعه در این موضوع سخنی دارد که علامه مجلسی آن را تحسین کرده است: این روایات را شیخ صدوق و شیخ طوسی و دیگران روایت کرده و قبری را از این حکم استثنا نکرده‌اند؛ ولی شکی نیست که شیعهٔ امامیه در دو مطلب اجماع نظر دارند: یکی ساختن بنا روی قبر و دوم نماز در کنار آن. شاهد این مدعا نیز چیزی است که در مشاهد مقدسه وجود دارد. بنابراین می‌توان در این روایات از چند جهت اشکال وارد کرد: نخست اینکه روایات یادشده صرفاً خبر واحد بوده و در برخی از آن‌ها ضعف سندی نیز هست و دوم اینکه این روایات با روایاتی دیگر که شهرت بیشتری دارند، در تعارض هستند. روایات اخیر بر تعظیم قبور ائمه علیهم‌السلام، ساخت بنا بر روی آن‌ها و نماز گزاردن کنار آن‌ها دلالت می‌کنند و در عهد معصومان علیهم‌السلام و پس از آنان نیز بر مفاد این روایات، اجماع شیعه وجود داشته و هیچ‌کس آن‌ها را رد و انکار نکرده است. این روایات می‌توانند مخصص روایات پیش‌گفته باشند؛ از جمله:

«امام صادق علیه‌السلام از پدران خود از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرد که به علی علیه‌السلام فرمود: ای

اباالحسن، خداوند قبر تو و فرزندانت را قطعه و عرصه‌ای از بهشت قرار داد و دل‌های شایستگان از خلقش و بندگان برگزیده‌اش را به شما متمایل کرد. آنان ... قبور شما را آباد کرده فراوان به زیارت آن‌ها می‌پردازند ... هرکس قبور شما را بسازد و به آن‌ها رسیدگی کند، مانند آن است که سلیمان را در ساخت بیت‌المقدس یاری داده است» (طوسی، ۱۳۹۰: ۶/ ۲۲). همچنین «از امام باقر علیه‌السلام روایت شده: نماز واجب نزد قبر امام حسین علیه‌السلام معادل یک عمره است» (شهید اوّل، ۱۴۱۹ : ۲ / ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۸: ۱۴/ ۱۹۲ـ۱۹۳).

شهید اوّل درادامه می‌نویسد: افزون بر این‌ها بر روی قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیشتر زمان‌ها بنایی وجود داشته است و از هیچ‌یک از پیشینیان نقل نشده که آن را رد و انکار کنند؛ بلکه آن را مناسب‌تر برای تعظیم آن حضرت دانسته‌اند (شهید اوّل، بی‌تا: ۲/ ۳۵ـ ۴۰).

تحلیل صاحب جواهر نیز چنین است که شاید مقصودْ نهی از ساخت بنا روی قبر و تعامل با آن به شکل تعامل با کعبه در روبه‌رو قرار گرفتن با آن بوده و اتخاذ مسجد نیز تعامل با آن به شکل تعامل با مساجد، مانند اقامهٔ نماز و مثل آن باشد (نجفی، ۱۳۶۷: ۸/ ۳۵۴؛ همچنین بنگرید به: سبحانی، ۱۴۱۹: ۲۲۰ـ ۲۲۱).

عالمان برجسته‌ای از اهل‌سنت نیز به توجیه این روایات پرداخته‌اند؛ برای نمونه: مناوی در تحلیل این روایات سخنی قابل توجه دارد: «مقصود از «اتَّخذوا قُبورَ أنبیائِهم مَساجد» این است که قبور را جهت قبلهٔ خود قرار دادند». او سپس از برخی عالمان اهل‌سنت نقل می‌کند: «ازآنجاکه یهودیان به قبور پیامبران برای تعظیم شأن آنان سجده می‌کردند و آن‌ها را قبلهٔ خود قرار داده در نماز به آن‌ها رو می‌کردند و آن‌ها را بت قرار می‌دادند، خداوند آنان را لعن کرد و مسلمانان را از چنین کاری نهی فرمود. اما کسی که مسجدی در جوار فردی صالح ایجاد کند یا در مقبرهٔ او نماز گزارد و قصدش کمک گرفتن از روح او یا رساندن ثواب عبادتش به او باشد و نه تعظیم و توجه به سمت او، اشکالی ندارد. آیا نمی‌بینی که مدفن اسماعیل داخل مسجدالحرام است؟» (مناوی، ۱۴۱۵: ۴/ ۶۱۲، ۵/ ۳۲۰؛ همچنین بنگرید به: هندی، بی‌تا: ۲/ ۴۱).

تحلیل‌ها و توجیهات یادشده از عالمان بزرگ شیعه و اهل‌سنت دربارهٔ این روایات، قطع‌نظر از صحت و سقم آن‌ها، نشان‌دهندهٔ وجود اشکال محتوایی در این روایات و ناسازگاری با دیگر ادلهٔ آنان است. انگیزهٔ این تحلیل‌ها وجود دلایل فراوانِ دال بر جواز عبادت و نماز در کنار قبور اولیای الهی، دست‌کم مرقد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومان علیهم‌السلام، است.

همچنین برای جواز ساخت بنا روی قبور، به وجود بنای مسقف روی قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از زمان رحلت تا امروز، استدلال شده است (عسکری، بی‌تا: ۱/ ۵۴).

به‌عنوان جمع‌بندی باید گفت: با توجه به تحلیل‌ها و تفسیرهای برخی از عالمان مسلمان که اشاره شد، به‌نظر می‌رسد روایات یادشده برفرض صحت، مفهوم و هدفی را مدّنظر دارند که با محتوای آیهٔ «اتخاذ مسجد بر قبور اصحاب کهف» منافاتی ندارد. مقصود این روایات آن است که قبر پیامبر یا ولیّ خدا مانند بت مورد سجده و پرستش قرار نگیرد و مثل کعبه، قبلهٔ نماز نباشد. ازاین‌رو چنانچه تدابیر پیشگیرانهٔ کافی اتخاذ نشود، چه‌بسا به‌تدریج و دست‌کم به‌وسیلهٔ طیفی از مردم قبر انبیا و اولیا مانند بت پرستیده شده و بر آن سجده کنند یا آن را به‌عنوان قبلهٔ نماز برگزینند. شواهد موجود در روایات نیز این تحلیل را تأیید می‌کند: «از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمود: پروردگارا، قبر مرا بت قرار نده. لعنت خدا بر کسانی که قبور پیامبرانشان را قبله قرار دادند» (ابن حنبل، بی‌تا: ۲/ ۲۴۶). در این روایت، پیش از مذمت از مسجد قرار دادن قبور پیامبران تصریح شده که قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نباید به‌عنوان وثن (بت) پرستیده شود. در حدیث صحیح معمر بن خلاد از قول امام رضا علیه‌السلام آمده است: «نماز بین قبور اشکالی ندارد؛ مادامی که قبر قبله قرار نگیرد» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۲۸). در روایات متعدد دیگری نیز بر مشروعیت و فضیلت نماز خواندن کنار قبور اولیای الهی تصریح شده؛ برای نمونه: «هنگامی که از سلام دادن بر شهدا فارغ شدی، کنار قبر امام حسین علیه‌السلام می‌روی و آن را مقابل خود قرار می‌دهی، آن‌گاه هر مقداری خواستی نماز می‌خوانی» (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۴۲۵).

بنابراین تفاوت روشنی وجود دارد بین کسی که قبر را بت، سجده‌گاه و قبله قرار دهد و

صاحب قبر را پرستش کند یا مظاهر پرستش همچون سجده را برای او به‌جا آورد و کسی که در کنار قبور اولیای الهی خدا را بپرستد، رو به قبله بایستد و نماز بخواند. در چنین حالتی، به‌طبع وجود ساختمان به‌عنوان سرپناه بالای سر این فرد ـ هرچقدر هم که با هنر معماری، زیبا و دل‌نشین ساخته شده باشد ـ نمی‌تواند عنصر شرک را محقق سازد؛ چراکه ساخت صحن و حرم پیش از هرچیز یک نیاز است: نیاز زائران به سرپناه و مکانی آرام برای انجام زیارت. براساس اجماع عالمان مسلمان و به‌استناد روایات فراوان، «زیارت» قبور اولیای الهی و «سفر برای زیارت» مشروع و مستحب است (عیاض الیحصبی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۳؛ جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۱/ ۶۹۴ـ ۶۹۵). مشاهد مشرفه و حرم‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام همواره کانون عبادت خدا، اقامهٔ نمازهای جمعه و جماعت، دعا و تضرع به درگاه الهی، مناجات و شب‌زنده‌داری بوده و شبههٔ شرک کاملاً منتفی است.

سخن صاحب جواهر می‌تواند پایان‌بخش این بحث باشد: استحباب عمارت قبور پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و زیارت و رسیدگی به آن‌ها ـ اگر نگوییم از ضروریات دین اسلام است ـ می‌تواند جزء ضروریات مذهب شیعه باشد و به‌طبع «ضروریات مذهب و دین» به استدلال نیازی ندارد (نجفی، ۱۳۶۷: ۴/ ۳۳۴ـ ۳۴۱).

۲ـ ۲. نقد دلیل دوم

در دلیل دوم به مجموعه‌ای از روایات مربوط به چگونگی ساخت مساجد و نهی و نکوهش مواردی همچون تزیین و ساخت کنگره و مقصوره استناد شد. بررسی سندی نشان‌دهندهٔ آن است که در بیشتر این روایات ضعف سندی وجود دارد؛ از جمله: روایات نهی از زخرف مسجد، روایت تخریب سقف مساجد در زمان ظهور، روایات مشتمل بر دستور تخریب مناره، روایت مشتمل بر ذکر طولانی شدن مناره‌ها به‌عنوان نشانه‌های آخرالزمان، روایت دستور تخریب مناره‌ها و مقصوره‌های مساجد به دست امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هنگام ظهور، روایت درهم شکستن محراب‌ها به دست امام علی علیه‌السلام و روایت نکوهش تصویرگری مساجد. در مقابل، روایاتی نیز اسناد معتبری دارند؛ ازجمله: روایت خودداری

کردن پیامبر ﷺ از مسقف کردن مسجد، روایت کراهت تظلیل، روایت نهی از ساختن کنگره برای مساجد، روایت عدم وجود مناره برای اذان در زمان رسول خدا ﷺ و روایت ساخت مقصوره‌ها به‌وسیلهٔ جباران.

چون در اینجا تمرکز بحث بر محتوای روایات است، از ذکر تفصیل مباحث سندی خودداری می‌شود.

از نظر دلالتِ این روایات بر مدعا، چند نکته قابل توجه است:

الف) بسیاری از روایات بر منع و حرمت تزیین مساجد دلالت ندارند و بیشتر به مقایسه میان پرداختن به ظواهر و کاهش معنویت اشاره می‌کنند؛ مانند: «عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غافِلُونَ ... يُزَخْرِفُونَ الْمَسَاجِد» و «يُزَوِّقونَ لِيَ المَساجِدَ ... ويُنَجِّسونَ أنفُسَهُم». همچنین در پاسخ امام صادق علیه‌السلام به حلبی «يُكْرَهُ» به‌معنای کراهت است و نه تحریم. تنها در یک روایت، تزیین کردن مسجد به‌صراحت نهی شده که سند معتبری ندارد: «لَا تُزَخْرِفُوا مَسَاجِدَكُمْ».

ب) روایات مورد بحث دربارهٔ مساجد هستند و نمی‌توان آن‌ها را به زیارتگاه‌ها تعمیم داد. زیارتگاه‌ها احکام خاص خود را دارند و تعمیم همهٔ احکام مساجد به زیارتگاه‌ها دلیل معتبری ندارد؛ بنابراین نمی‌توان روایات یادشده را دلیلی بر ممنوعیت طلاکاری زیارتگاه‌ها دانست.

ج) برخی روایات در ظاهر با هم تعارض دارند؛ مانند روایت تظلیل مسجد به فرمان پیامبر ﷺ و روایت کراهت توقف در مساجد مظلله: «فَظُلِّلَ فَقَالَ نَعَمْ» و «يُكْرَهُ الْقِيَامُ فِيهَا قَالَ نَعَمْ».

د) وجود رویکرد منفی کلّی در روایات به تزیین مساجد: دو روایت معتبر در **کافی** و **تهذیب** تصریح دارند که در زمان کنونی و پیش از عصر ظهور، تزیین مساجد مانعی ندارد. نخستین روایت دربارهٔ مساجد دارای سایه‌بان است که امام علیه‌السلام اشاره می‌کند با وجود کراهت، نماز گزاردن در آن‌ها در زمان حاضر ضرری ندارد (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۳؛ صدوق، ۱۴۱۴: ۱/ ۲۳۵) و دوم، دربارهٔ مساجد دارای تصویر که

امام علیه‌السلام نیز آن را در زمان حاضر بی‌ضرر می‌داند (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۳۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۵۹). این امر نشان می‌دهد که در عصر غیبت، در این امور تسهیل شده است.

هـ) نکتهٔ اصلی در تحلیل روایات مورد بحث توجه به مقتضیات زمان است. شرایط اقتصادی و فرهنگی، سطح معیشت، سبک ساخت‌وسازها و مصالح به‌کاررفته در آن‌ها پیوسته در حال تغییر است. در سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام در زمینهٔ معیشت و ساخت خانه و استفاده از لوازم منزل و مانند آن، «مفاهیم» ملاک است و نه صرفاً «مصادیق»؛ یعنی اگر برای نمونه معصوم علیه‌السلام در خانه‌ای گل‌اندود می‌زیسته و از کوزه آب می‌آشامیده و سویق میل می‌کرده، نمی‌توان این مصادیق را امروزه به‌عنوان سیره و فرهنگ اسلامی برای جهانیان تبلیغ کرد. تفصیل این بحث مجالی دیگر می‌طلبد. اگر مفهوم سادگی و بی‌آلایشی از این روایات فهم شود، به‌طبع باید متناسب با شرایط هر زمان و نیز در کنار دیگر ادله، که پیش‌تر گذشت، تحلیل شوند.

دربارهٔ کیفیت ساخت مساجد، چنان‌که در روایات ملاحظه شد، حتی گل‌اندود کردن سقف مسجد و بلکه خود سقف نیز به‌گونه‌ای منع شده و این کار مذمت شده است. در روایتی دیگر حتی توقف در مسجد سایبان‌دار مکروه است: «عَنِ الْمَسَاجِدِ الْمُظَلَّلَةِ يُكْرَهُ الْقِيَامُ فِيهَا قَالَ نَعَمْ». اینک آیا می‌توان بدون لحاظ مقتضیات زمان و مکان و تغییر گستردهٔ شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز تنوع اقلیم‌ها، ساخت مساجدی بدون سقف یا بدون سایبان یا با سایبان‌هایی از جنس شاخ‌وبرگ درخت (عریش) و بدون استفاده از کمترین مصالح، حتی گل، را تجویز یا الزامی کرد؟!

بنابراین اگر امروزه به‌کار بردن بهترین مصالح و ساخت مساجدی مستحکم ضرورت است، زیباسازی و ایجاد محیطی نشاط‌انگیز نیز ضروری است؛ ضرورتی برخاسته از تغییر شرایط و اقتضای زمان.

اما پیامی که از این روایات برداشت می‌شود، این است که نباید پرداختن به ظواهر و جنبه‌های مادی از سطح توجه به معنویت پیشی بگیرد؛ بلکه همواره باید تعمیق معارف و ترویج معنویت و پاکی و اخلاق، وجه غالب در اماکن دینی باشد.

و) ساخت مساجد مسقف همراه با کنگره، مناره، مقصوره و نیز تزیین و زیباسازی قرن‌هاست که در جهان اسلام انجام می‌شود و این امور همواره در مرئی و منظر عالمان بزرگ مسلمان بوده؛ اما هیچ‌گونه منعی از سوی آنان مشاهده نشده است. این بدین معناست که روایات یادشده در عمل مورد «اعراض» علما بوده؛ یعنی از محتوای روایات استظهار نکرده‌اند که تزیین به‌نحو مطلق جایز نیست. بدین‌سان اعراض علما از عمل در این مورد مانند دیگر موارد اعراض در فقه، خود نشانهٔ ضعف روایات یادشده، هرچند از نظر دلالت، قلمداد می‌شود.

افزون بر این، تزیین زیارتگاه‌ها و طلاکاری ایوان‌ها در کربلا، نجف، مشهد و دیگر مشاهد مشرفه نیز همواره در مرئی و منظر عالمان شیعی بوده و منع نکرده‌اند. سیرهٔ متشرعه در این موضوع را نیز می‌توان به‌عنوان «مؤید» درنظر گرفت؛ اما ازآنجاکه نمی‌توان استمرار این سیره را تا عصر معصوم اثبات کرد و مورد تأیید معصوم دانست، نمی‌توان آن را «دلیل» به‌شمار آورد.

۲ـ۳. نقد دلیل سوم

در ارزش ساده‌زیستی و دوری از تجملات تردیدی نیست؛ اما تعریف سادگی باید براساس شرایط زمان و مکان باشد. با ارتقای سطح ساخت‌وساز منازل باید کیفیت ساخت مراکز دینی نیز متناسب با آن ارتقا یابد. در روایات، بر توجه به تأثیر سطح معیشت عمومی در تعریف ساده‌زیستی تأکید شده است (کلینی، ۱۳۶۷: ۶/ ۴۴۲). هدف از زیباسازی اماکن مقدس ایجاد محیطی دل‌انگیز و ترغیب مردم به عبادت و زیارت است؛ اما باید سادگی و پرهیز از تجمل در تزیینات نیز مدّنظر قرار بگیرد.

۲ـ۴. نقد دلیل چهارم

تحلیل این دلیل مانند دلیل پیشین است. در موضوع اسراف، عرف نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ چراکه اسراف امری نسبی است که بسته به شرایط اقتصادی، زمان و مکان تغییر می‌کند؛ برای نمونه مصرف مقداری مشخص ممکن است برای فردی اسراف

و برای دیگری میانه‌روی باشد. امام صادق علیه‌السلام نیز به این نسبیت اشاره کرده است: «رُبَّ فَقِيرٍ أَسْرَفُ مِنْ غَنِيٍّ ... إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ وَ الْفَقِيرَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِي» (کلینی، ۱۳۶۷: ۳/ ۵۶۲)؛ چه‌بسا فقیری که اسراف‌کارتر از ثروتمند باشد ...؛ زیرا توانگر از آنچه دارد خرج می‌کند، ولی فقیر بدون دارا بودن مال هزینه می‌کند».

دربارهٔ اماکن دینی، تزیینات متناسب با شرایط عصرْ اسراف قلمداد نمی‌شود؛ اما زیاده‌روی‌ای که از نظر عرف اسراف به‌شمار آید، نامطلوب یا ممنوع است. درحقیقت به علت منافع عمومیِ فضای این مشاهد و دیگر امکانات نمی‌توان هزینه کردن برای آن‌ها را اسراف دانست. نقد دلایل بعدی به این بحث کمک می‌کند.

۲ـ۵. نقد دلیل پنجم

درادامه و درضمن دلایل مطلوبیت تزیین، به‌تفصیل خواهد آمد که اماکن زیارتی باشکوه و زیبا در کنار کارکرد اصلی خود یعنی محیط مطلوب برای عبادت و زیارت و جذب بیشتر مردم، کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متعددی نیز دارند و از نظر کارکرد اقتصادی، از ابعاد گوناگون می‌توانند باعث رونق اقتصاد، به‌ویژه در مناطق اطراف زیارتگاه‌ها شوند. از سوی دیگر، تردیدی نیست که این‌گونه مراکز دینی، کانون نشر معارف اسلامی و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. نشر معارف دینی در قالب منبر و وعظ یا کلاس و دیگر فعالیت‌ها انگیزه‌های قدرتمندی در افراد برای کمک به فقرا و محرومان و پرداخت واجبات و مستحبات مالی ایجاد می‌کند که به‌وضوح مشاهده می‌شود. انبوه کمک‌های مؤمنانه، فعالیت‌های اجتماعی در راستای کمک به خانوارهای فقیر، ایجاد انگیزه برای وقف به‌نفع نیازمندان و ترغیب به پرداخت حقوق مالی به‌قدری گسترده و فراوان است که هزینه‌های جانبی این اماکن قابل مقایسه با آن نیست. بیشتر کمک‌های مردمی برای فقرا نیز از سوی مؤمنانی صورت می‌گیرد که در همین مراکز دینی حضور و مشارکت دارند. روشن است که شکوه و زیبایی این اماکن به‌شکل چشمگیری بر جاذبیت آن‌ها افزوده و بسته به میزان آن، مشارکت‌های اجتماعی برای رفع فقر افزایش

می‌یابد. همچنین هزینه‌های زیباسازی از سوی افرادی تأمین می‌شود که داوطلبانه اموال خود را اعطا می‌کنند یا موقوفاتی که واقف به‌اختیار خود مالی را وقف کرده و البته تغییر نیت واقف نیز بنا بر شرع مجاز نیست.

براساس تفسیر علامه طباطبایی نمی‌توان آیهٔ کنز را مشمول هزینه‌های طلاکاری اماکن دانست. آیهٔ یادشده به اموال شخصی‌ای که از چرخهٔ اقتصاد خارج شده و برای نفع خصوصی به‌صورت کنز درآمده، اشاره دارد: ﴿**هذا ما كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ**﴾ (توبه/ ۳۵)؛ در مقابل «انفاق در راه خدا»: ﴿**لا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ**﴾. طلاهای موجود در تزیین اماکن برای نفع خصوصی انباشته نشده و خود مصداق «فِي سَبِيلِ اللَّه» است. بااین‌حال، این نکته به معنای تجویز زیاده‌روی در تزیینات و تجملات، به‌ویژه طلاکاری نیست.

نکتهٔ آخر اینکه ادلهٔ یادشده برای نکوهش تزیین و طلاکاری زیارتگاه‌ها به‌طور کلّی برای اثبات حرمت این امر ناکافی است؛ چراکه هریک از آن‌ها قابل نقد بوده و روایات مرتبط با ساخت مساجد نیز از نظر سند و دلالت غیرقابل استنادند. افزون بر این اصولاً دربارهٔ نحوهٔ ساخت و هزینه‌کرد زیارتگاه‌ها آیه و روایتی وجود ندارد و برفرض اثبات حرمت طلاکاری مساجد، تعمیم آن به زیارتگاه‌ها تردیدپذیر می‌نماید. درصورت شک و تردید نیز، به‌طبع «اصل اباحه» (به‌مفهوم عام اباحه شامل کراهت و استحباب) حاکم خواهد بود؛ به‌این معنا که درصورت تردید دربارهٔ حرمت یا حلّیّت امری و منع نکردن شارع، حکم به حلیت داده می‌شود (مرتضی، ۱۳۷۶: ۲/ ۸۰۸ـ ۸۰۹؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲/ ۷۴۱ـ ۷۴۲؛ حلی، بی‌تا: ۲۰۲ـ ۲۰۵؛ بحرانی، بی‌تا: ۱/ ۴۳ـ ۴۸؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱/ ۴۳۶).

۳. دلایل مطلوبیت تزیین

درمقابل دلایل یادشده دلایل دیگری وجود دارند که بر جواز و نیز مطلوبیت تزیین زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس دلالت می‌کنند:

۳ـ ۱. آیهٔ زینت مساجد

آیهٔ ﴿**خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**﴾ (اعراف/ ۳۱) به اهمیت زینت و آراستگی در هنگام

عبادت اشاره دارد و می‌تواند به‌عنوان دلیلی برای تزیین اماکن عبادی و زیارتگاه‌ها درنظر گرفته شود. در این آیه، خداوند بدون محدود کردن میزان زینت فرمان می‌دهد که در مسجد از زینت خود استفاده کنید. وقتی که شایسته است اشخاص خود را درحال عبادت زینت کنند، روشن است که مکان‌های عبادت نیز باید زیبا باشند تا مردم با رغبت بیشتری به آن‌ها وارد شوند. به‌هررو این امر نشان می‌دهد که استفاده از زینت و زیبایی در عبادت مورد تأیید است و افزون بر این به‌طور غیرمستقیم بر اهمیت تزیین و آراستگی اماکن عبادی نیز دلالت دارد.

برخی ادعا کرده‌اند که «زینت» در قرآن فقط در معنای زیورآلات طبیعی به‌کار رفته و قرآن از زیورآلات مصنوعی با عنوان «حلیه» یاد می‌کند (بهبودی، ۱۳۹۵: ۵۰۵). این ادعا با کاربردهای قرآنی هم‌خوانی ندارد؛ زیرا زینت در قرآن در معنای زیورآلات و کالاهای تزیینی مصنوعی نیز به‌کار رفته است؛ مانند: ﴿**اَلْمالُ وَ الْبَنُونَ زینَةُ الْحَیاةِ الدُّنْیا**﴾ (کهف/ ۴۶)، ﴿**وَ لکِنَّا حُمِّلْنا أَوْزاراً مِنْ زینَةِ الْقَوْمِ**﴾ (طه/ ۸۷) و ﴿**فَخَرَجَ عَلی قَوْمِهِ فی زینَتِه**﴾ (قصص/ ۷۹). در آیات دیگری نیز این مطلب تأیید می‌شود: (آل عمران/ ۱۴؛ یونس/ ۸۸؛ نور/ ۶۰).

۳ـ۲. آیهٔ تعظیم شعائر

آیهٔ ﴿**وَمَن یُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ**﴾ (حج/ ۳۲) تأکید دارد که تعظیم شعائر الهی نشانهٔ تقوای قلب است. شعائر جمع «شعیره» به‌معنی «علامت» است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰۸) و مقصود از «شَعَائِرَ اللَّه» نشانه‌های دین الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۱۳۳)؛ مانند صفا و مروه (بقره/ ۱۵۸) و «شتران قربانی» (حج/ ۳۶). قرآن کریم به مسلمانان هشدار داده که هتک حرمت شعائر الهی را حلال نشمرند: ﴿**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُحِلُّوا شَعائِرَ اللَّه**﴾ (مائده/ ۲).

تعظیم پیامبران و اولیای الهی و آثار منتسب به آنان از روشن‌ترین مصادیق «تعظیم شعائر الهی» است که طبق آیات یادشده مطلوب و حتی الزامی است. نیک روشن است که تعظیم هرچیزی به‌تناسب همان چیز است؛ چنان‌که تعظیم کعبه ازنظر ظاهر به تزیین

و نصب پردهٔ زیباست و تعظیم اولیای الهی پس از مرگشان به بزرگداشت مقبره و حرم آنان است. اگرچه آیهٔ مورد بحث در سیاق آیات مربوط به حج آمده، ضابطه‌ای کلی را بیان می‌کند که بر مصادیق گوناگون قابل تطبیق است (سبحانی، ۱۴۲۱: ۲۱۱ـ ۲۱۲)؛ چراکه در جای خود ثابت شده که فرازهای قرآنی، قطع‌نظر از سیاق، مفهومی مستقل دارند و مانند قاعدهٔ کلّی قابل استنادند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۶۰). مفسران بزرگ نیز آن را به موارد خاص محدود نکرده و شامل تمامی عبادات و مراکز عبادی می‌دانند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/ ۶۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸/ ۳۸؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۴/ ۹۷).

تزیین زیارتگاه‌ها و حرم‌های مقدس به‌عنوان تعظیم شعائر الهی می‌تواند ضمن افزایش حرمت این مکان‌ها موجب جذب بیشتر مردم به عبادت و زیارت شده و سطح معنوی و ارتباط آنان با خداوند را بالا ببرد.

۳ـ۳. تنقیح مناط مفاد آیات عمران و آبادسازی مساجد

یکی از ارزش‌های اسلامی، عمران و آباد کردن مساجد است: ﴿**إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللهَ فَعَسَى أُوْلَئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ**﴾ (توبه/ ۱۸). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ بر ساختن و عمران مساجد تأکید فراوان داشته و خود در بنا و عمارت مساجد شرکت می‌کرده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۳؛ طبرانی، بی‌تا: ۲/ ۲۴۶).

«عمران» مسجد مفهوم وسیعی است که شامل ساختن، اصلاح، نظافت، روشنایی، آمدوشد، عبادت، دعا، تدریس و تربیت در مسجد می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/ ۳۲۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵/ ۲۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۵۴). بنابراین مقصود از عمارت مسجد، هم آبادی ظاهری و هم آبادی معنوی مسجد است. بدین‌سان می‌توان به تنقیح مناط، «هرگونه عمران و آباد کردن اماکن معنوی» و مراکز عبادت و معنویت را نیز مطلوب دانست. افزون بر این ساخت بنایی ساده بدون هرگونه تزیین و زیباسازی مانند ساخت سازه‌های گلی در عرف و شرایط اقتصادی و فرهنگی کنونی، نوعی نقص در عمران و

کمبود و کوتاهی در ساخت‌وساز قلمداد شده و مفاد آیه و نصوص مشابه را تأمین نمی‌کند. بااین‌حال در ادامه خواهد آمد که طبق معیار عرف در تشخیص موضوعات، تزیینات فراتر از حد متعارف به‌هیچ‌رو تجویز نمی‌شود.

۳ـ۴. اطلاق روایات «عمران زیارتگاه‌ها»

در برخی روایات تعبیرهایی مانند «مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا» آمده است: «ابوعامر، واعظ اهل حجاز، گوید: خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام رفتم و پرسیدم: کسی که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را زیارت کند و تربت آن حضرت را تعمیر کند چه پاداشی دارد؟ فرمود: ... رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ... یا علی، «مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا»؛ هرکه قبور شما را آباد کند و به آن رسیدگی نماید، چنان باشد که حضرت سلیمان را در بنای بیت‌المقدس یاری کرده باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱/ ۳۸۳).

دو واژه «عَمَرَ» و «تَعَاهَدَ» به اطلاق خود و با توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی کنونی، برای قبور ائمه علیهم‌السلام تزیین و زیباسازی را نیز دربر می‌گیرد. البته این اطلاق اگرچه نمی‌تواند طلاکاری زیارتگاه‌ها و تزیینات خارج از حد متعارف را توجیه کند، دست‌کم می‌تواند دلیلی بر مطلوبیت اصل تزیین به‌شمار آید.

۳ـ ۵. تجویز و مطلوبیت استفاده از زیبایی و تزیین برای معرفی عظمت دینی

در قرآن کریم، زیباسازی حتی درحد خیره‌کننده و جالب توجه به‌عنوان ابزاری برای نشان دادن عظمت دینی و بزرگداشت آن درنظر مخالفان مطرح شده است؛ برای نمونه توصیف محوطهٔ بلورینی که حضرت سلیمان علیه‌السلام برای تحت تأثیر قرار دادن ملکهٔ سبا ساخت: ﴿**قيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ ساقَيْها قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ**﴾ (نمل/ ۴۴). این محوطه به‌گونه‌ای بود که ملکه با دیدن آن گمان کرد که آبی زلال در آنجا وجود دارد: ﴿**فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً**﴾. این خود گواه آن است که تمام این جزئیات، بخشی از طرح حساب‌شدهٔ پیامبری الهی برای هدایت ملکه و جمع گسترده‌ای از زیردستانش بوده

است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۵/ ۴۸۲ـ ۴۸۵). بدین‌سان ساخت بناهای باعظمت دینی به‌گونهٔ باشکوه و مدرن همراه با تزیین و زیباسازی اگر در نشان دادن عظمت دینی و مقهور کردن ذهن و ارادهٔ مخالفان مؤثر باشد، مطلوب خواهد بود. در قرآن نیز خداوند متعال زیبایی و زینت را به‌عنوان وسیله‌ای برای جلب توجه بندگان و نمایش عظمت خود به‌کار برده است: ﴿**إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ**﴾ (صافات/ ۶) و ﴿**أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاها**﴾ (ق/ ۶). بنابراین تزیین زیارتگاه‌ها و حرم‌های مقدس می‌تواند به‌عنوان راهی برای جذب بیشتر مردم به زیارت و افزایش احترام و عظمت این اماکن مورد تأکید قرار گیرد.

۳ـ ۶. روایات «جمال» و «تجمل»

هنر اسلامی به‌ویژه در تزیین اماکن مقدس تلاشی است برای بازنمایی و تجسم جمال الهی در قالب فرم‌ها و نقوش. روایات بر جمال و تجمل (کلینی، ۱۳۶۷: ۶/ ۴۳۸)، از جمله در زمان عبادت تأکید ویژه دارند. درنتیجه، ایجاد جلوه‌هایی از جمال و زیبایی در مراکز معنوی مانند زیارتگاه‌ها نیز می‌تواند مطلوب قلمداد شده و البته ازآنجاکه جمال و زیبایی نیز بیش و پیش از هرچیز مقوله‌ای عرفی است، مصادیق آن به عرف و شرایط هر عصر بازبسته است.

۳ـ ۷. توجه به مقاصد شریعت

مقاصد شریعت به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی فقه اسلامی، چارچوب نظری قدرتمندی برای تبیین تزیین اماکن مقدس فراهم می‌کند. این رویکرد با تمرکز بر اهداف کلی شریعت، تفسیری پویا و منعطف از احکام شرعی را ممکن می‌سازد. حفظ دین، ترغیب افراد به دین‌داری، رونق مراکز عبادی و مقابله با تهاجم فرهنگی جزء مقاصد شریعت است و زیباسازی اماکن مقدس در این راستا نقش مهمی دارد. این زیباسازی می‌تواند باعث جذب مؤمنان، تقویت هویت دینی و حتی کمک به رونق اقتصادی شود. چنین رویکردی می‌تواند امکان تفسیری پویا از نصوص، مانند روایات تأکیدکننده بر

سادگی مساجد را نیز فراهم آورد.

۳ـ ۸. ایجاد فضای روح‌انگیز برای تلطیف روان و تقویت بعد معنوی

تزیین اماکن مقدس نه‌تنها عملی زیباشناختی، بلکه ضرورتی روان‌شناختی برای تقویت تجربهٔ معنوی و دینی زائران است. محیط‌های منظم و زیبا باعث افزایش تمرکز و کاهش حواس‌پرتی می‌شوند. تزیینات هدفمند در این اماکن با ایجاد فضایی آرام و منسجم به زائران کمک می‌کند تا تمرکز بیشتری بر عبادت و تفکر داشته باشند که این امر به‌طور مستقیم با مفهوم خشوع در عبادت ارتباط دارد.

تزیینات مناسب همچنین می‌تواند به بهبود سلامت روانی زائران کمک کند و با آموزه‌های اسلامی دربارهٔ اهمیت آرامش و سکینهٔ قلبی نیز هم‌خوانی دارد. فضاهای با معماریِ خاص و تزیینات متعالی حسّ شکوه و عظمت را در افراد برمی‌انگیزند و به درک بهتر عظمت الهی و تقویت ایمان کمک می‌کنند. بنابراین تزیین اماکن مقدس نه‌تنها امری تشریفاتی نیست، بلکه ضرورتی روان‌شناختی و معنوی است که نقش مهمی در تقویت تجربهٔ دینی و معنوی زائران ایفا می‌کند.

این رویکرد با شواهد علمی و ارتباط دادن آن‌ها با مفاهیم اسلامی می‌تواند به‌عنوان دلیلی قوی برای موافقان تزیین اماکن مقدس مطرح شود.

۳ـ ۹. تقویت هویت دینی و فرهنگی

زیارتگاه‌ها به‌عنوان اماکن مقدس و نمادهای برجستهٔ دین نقش مهمی در تقویت هویت دینی و فرهنگی جامعهٔ اسلامی دارند. تزیین این اماکن نه‌تنها به حفظ و نگهداری میراث معنوی کمک می‌کند، بلکه باعث نمادسازی فرهنگی و تقویت حضور دین در زندگی اجتماعی نیز می‌شود.

زیارتگاه‌ها به‌عنوان نمادهای قابل مشاهدهٔ دین در فضای عمومی، در شکل‌دهی به هویت دینی جامعه نقش کلیدی دارند. تزیین و زیباسازی این اماکن می‌تواند به تقویت این نمادها کمک کرده و باعث افزایش احترام و توجه مردم به آن‌ها شود. همچنین

زیارتگاه‌ها به‌عنوان مراکزی برای تجمع مردم و انجام مناسک دینی، دین را در قالب نمادهای تمدنی و هنری به نمایش می‌گذارند. استفاده از هنرهای اسلامی در تزیین این اماکن، مانند کاشی‌کاری و خطاطی، به حفظ هنرهای اسلامی و انتقال ارزش‌های دینی به نسل‌های آینده کمک می‌کند. افزون بر این تزیین زیارتگاه‌ها زمینه‌ای برای تقویت و گسترش هنرهای اسلامی فراهم می‌کنند تا این هنرها بتوانند به شکلی زنده و پویا در جامعه حضور داشته باشند.

۳ـ ۱۰. وجوب فقهی ملاحظهٔ نیّت واقف در وقف برای زیباسازی

وقف دارای شرایط و احکام خاصی است که یکی از آن‌ها رعایت نیت واقف است؛ ازاین‌رو اگر واقفی بخشی از اموال خود را برای تزیین و زیباسازی زیارتگاهی اختصاص دهد، نیت او باید به‌طور کامل رعایت شود و مسئولان و مجریان وقف موظف‌اند براساس آن نیت عمل کنند. به‌دیگر سخن، زمانی که وقف به‌طور مشروع شکل می‌گیرد، هیچ‌کس، حتی تولیت عتبهٔ مقدسه، حق ندارد محل هزینه‌کرد موقوفه را تغییر دهد و خلاف نیت واقف عمل کند.

به‌هررو بسیاری از هزینه‌های اماکن مقدس ازجمله هزینهٔ تزیینات از محل موقوفات تأمین می‌شود (برای نمونه بنگرید به: سالک بیرجندی، ۱۳۸۴). این کارها نیز براساس نظر افراد خیرخواه برای ابراز ارادت و بذل مال به بهترین شکل آن به پیشگاه معصومان علیهم‌السلام و اولیای الهی است؛ ازاین‌رو جلوگیری از این‌گونه اقدامات نه‌تنها مطلوب نیست که حرمت شرعی دارد.

۳ـ ۱۱. توسعهٔ گردشگری دینی و برکات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن

توسعهٔ گردشگری دینی می‌تواند به جذب زائران و گردشگران مذهبی کمک کند و تزیین زیارتگاه‌ها به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی در این زمینه، نقش مهمی در تقویت این نوع از گردشگری و بهره‌برداری از فواید آن دارد. زیارتگاه‌های زیبا و باشکوه به‌عنوان نمادهای فرهنگی و مذهبی به ارتقای شأن و احترام این مکان‌ها و تقویت هویت اسلامی

کمک می‌کنند. زیباسازی اماکن یادشده از طریق هنرهای اسلامی‌ای چون کاشی‌کاری و خوش‌نویسی فرصتی برای نمایش و ترویج این هنرها به نسل‌های آینده فراهم آورده و موجب حفظ میراث فرهنگ اسلامی می‌شود.

تزیین اماکن مقدس نه‌تنها از جنبه‌های معنوی و زیباشناختی، بلکه ازنظر اقتصادی نیز اهمیت دارد. این تزیینات با افزایش جذابیت بصری و معنوی به جذب بیشتر گردشگران مذهبی کمک کرده و به رونق اقتصادی منطقه و افزایش درآمدها می‌انجامد. همچنین نیاز به نیروی کار ماهر در زمینه‌های مختلف فرصت‌های شغلی متنوع و پایدار ایجاد کرده و مشاغل مرتبط مانند هتل‌داری و رستوران‌داری را رونق می‌بخشد.

زیارتگاه‌های زیبا می‌توانند به نمادهای شهری و ملّی تبدیل شوند و بر شهرت و اعتبار شهر یا کشور بیفزایند. این امر می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در دیگر بخش‌های اقتصادی بینجامد. از بعد سیاسی نیز زیارتگاه‌های پربازدید می‌توانند موقعیت فرهنگی و سیاسی کشورهای اسلامی در عرصهٔ بین‌المللی را تقویت کنند.

تزیین اماکن مقدس به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه در راستای توسعهٔ پایدار و همه‌جانبهٔ جوامع اسلامی، می‌تواند به تحقق اهداف والاتر اسلام مانند رفاه جامعه و حفظ میراث فرهنگی کمک کند. توضیح و تفصیل این بُعد از اماکن دینی در منابع متعدد به‌تفصیل بررسی شده است. (نک: محمدی، ۱۳۹۲؛ عباسی، ۱۳۸۷؛ زارعی، ۱۳۹۳)

آنچه گذشت نشان می‌دهد که هزینه‌کرد برای زیباسازی زیارتگاه‌ها نه‌تنها زیان اقتصادی ندارد که خود موجب رشد اقتصادی از ابعاد گوناگون است.

نتیجه‌گیری

دربارهٔ تزیین زیارتگاه‌ها و هزینه‌کرد برای آن، با توجه به مطالب پیش‌گفته چند نکته قابل ارائه است:

۱. همهٔ دلایل مطرح‌شده برای نامطلوب بودن تزیین زیارتگاه‌ها، چنان‌که گذشت، قابل نقد است و نکتهٔ مهم آن این است که در این دلایل، عنصر زمان و مکان و تغییر شرایط

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی لحاظ نشده است. درمقابل، دلایل مطلوبیت استوارتر می‌نماید. نکتهٔ مهم‌تر اینکه هرگاه وقف به‌طور مشروع شکل بگیرد، هیچ‌کس حق ندارد محل هزینه‌کرد موقوفه را تغییر دهد و خلاف نیت واقف عمل کند و البته بسیاری از هزینه‌های اماکن مقدس، ازجمله هزینهٔ تزیینات از محل موقوفات تأمین می‌شود.

۲. مطلوبیت تزیین و زیباسازی زیارتگاه‌ها به‌معنی تجویز زیاده‌روی در این کار نیست. عرف عقلا در این موضوع نیز مانند دیگر موضوعات، معیار تشخیص اسراف و زیاده‌روی است.

۳. تزیینات باید درحد متعادل و متناسب با شأن و جایگاه مکان مقدس باشد. ممکن است حجمی از زیباسازی، برای نمونه در رواق‌های باشکوه حرم حضرت رضا علیه‌السلام زیاده‌روی قلمداد نشود؛ ولی کمتر از آن برای امامزاده‌ای در دوردست، زیاده‌روی و تجمل‌گرایی به‌شمار آید. دلیل این مطلب نیز قضاوت عرف و نقش آن در تعیین حد و حدود اسراف است. از سوی دیگر، در اماکنی که از اساس اعتبار و اسناد معتبری ندارند، باید به‌ویژه برای زیباسازی کمترین هزینه صرف شده، از طلاکاری پرهیز شود.

۴. در راستای نکتهٔ پیشین باید گفت برخی از زیارتگاه‌ها افزون بر جنبهٔ معنوی و پاسداشت شخصیت مدفون در آن‌ها جنبهٔ سیاسی و اجتماعی نیز پیدا کرده‌اند؛ مانند حرم امام خمینی رحمه‌الله که به‌طبع شکوه و عظمت آن بازتاب رسانه‌ای دارد. این نکته نیز با حفظ اعتدال و پرهیز از زیاده‌روی باید لحاظ شود.

۵. در تخصیص منابع و امکانات نیز باید تأمین رفاه و آسایش زائران در اولویت باشد. گسترش فضا، ایجاد امکانات رفاهی و فراهم کردن محیطی آرام و معنوی برای زیارت از تزیینات صرف مهم‌تر است.

۶. تزیینات نباید به‌گونه‌ای باشد که جنبه‌های مادّی بر جنبه‌های معنوی غلبه کند. این مهم در واقع پیام استخراج‌شده از مجموعهٔ روایاتی است که دربارهٔ ساخت مساجد وارد شده و پیش از این آمد.

درمجموع می‌توان گفت که تزیین زیارتگاه‌ها با رعایت اعتدال و توجه به اصول

اسلامی نه‌تنها مجاز بوده، بلکه در شرایط کنونی مطلوب نیز هست. این امر می‌تواند به جذب بیشتر مردم به این اماکن مقدس و تقویت جایگاه آن‌ها در جامعه کمک کند؛ مشروط به اینکه اصل توجه به معنویت و رفاه زائران در اولویت قرار گیرد.

منابع

۱. *قرآن کریم*.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن تیمیة، *الفتاوی الکبری*، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمّد، *مسند احمد*، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
۵. ابن سعد، محمّد بن سعد، *الطبقات الکبری*، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمّد، *کامل الزیارات*، مؤسسة نشر الفقاهة، بی‌جا، ۱۴۱۷ق.
۷. اصبهانی، أحمد بن عبدالله، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۸. انصاری، محمّدعلی، *الموسوعة الفقهیة المیسرة*، مجمع الفکر الإسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة*، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، بی‌تا.
۱۰. بخاری، محمّد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۱. بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف* ، تحقیق: سهیل زکار و ریاض الزرکلی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۱۲. بهبودی، محمّدباقر، *معارف قرآنی*، نشر علم، تهران، ۱۳۹۵ش.
۱۳. بیهقی، أحمد بن الحسین، *سنن الکبری*، تحقیق: محمّد عبدالقادر عطا، دار الکتب العلمیّة، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۴. جزیری، عبدالرحمن و دیگران، *کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت علیهم‌السلام*، دار الثقلین، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، دفتر نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۷. حرّ عاملی، محمّد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۸. حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۱۹. دینوری (ابن قتیبة)، عبدالله بن مسلم، ***عیون الأخبار***، دار الکتب المصریّة، القاهرة، ۱۳۴۳ق.
۲۰. زارعی، محمد، «نقش اجتماعی مساجد»، انتشارات اندیشه، چاپ اول، ۱۳۹۳، صفحات ۹۰_ ۹۳.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل***، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۲. سالک بیرجندی، محمّدتقی، «آشنایی با موقوفهٔ نادرقلی خان افشار (نادرشاه)»، ***میراث جاودان***، سال سیزدهم، شمارهٔ ۵۰، تابستان ۱۳۸۴ش.
۲۳. سبحانی، جعفر، ***التوحید و الشرك فی القرآن***، اسوه، تهران، ۱۴۲۱ق.
۲۴. سبحانی، جعفر، ***الحدیث النبوی بین الروایة والدرایة***، مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۵. سجستانی الأزدی، سلیمان بن أشعث، ***سنن أبی داود***، تحقیق: محمّد محیی‌الدین عبدالحمید، دار احیاء السنة النبویة، بیروت، بی‌تا.
۲۶. سیوطی، جلال‌الدین، ***الدر المنثور***، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۲۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، ***نهج البلاغة***، محقق / مصحح: صالح، صبحی، نشر هجرت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، ***من لا یحضره الفقیه***، جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۹. صنعانی، عبدالرزّاق بن همّام، ***المصنّف***، تحقیق: حبیب الرحمان الأعظمی، منشورات المجلس العلمی، بیروت، بی‌تا.
۳۰. طباطبایی، محمّدحسین، ***تفسیر المیزان***، ترجمهٔ سیّد محمّدباقر موسوی همدانی، جامعهٔ مدرسین قم، قم، ۱۳۷۴ش.
۳۱. طباطبایی، محمّدحسین ، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
۳۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، ***المعجم الکبیر***، مکتبة ابن تیمیه، قاهره، بی‌تا.
۳۳. طبرسی، فضل بن الحسن، ***إعلام الوری بأعلام الهدی***، تحقیق: مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طبرسی، فضل بن الحسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۳۵. طبرسی، فضل بن الحسن، ***مکارم الأخلاق***، تحقیق: علاء آل جعفر، مؤسّسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۶. طوسی، محمّد بن حسن، ***تهذیب الأحکام***، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۷. طوسی، محمّد بن حسن، ***عُدّة فی اصول الفقه***، تحقیق: محمدرضا انصاری، بی‌نا، قم،

۱۴۱۷ق.
۳۸. طوسی، محمّد بن حسن، ***الغیبة***، تحقیق: عبادالله الطهرانی و علی أحمد ناصح، مؤسّسة المعارف الإسلامیّة، قم، ۱۴۱۱ق.
۳۹. عاملی، محمد بن مکی، ***ذکری الشیعة فی أحکام الشریعه***، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹ ق.
۴۰. عاملی کرکی، علی بن حسین، ***جامع المقاصد فی شرح القواعد***، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۴ق.
۴۱. عباسی، احمد، «نقش اجتماعی و سیاسی مساجد»، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ دوم، ۱۳۸۷، صفحات ۶۰ـ ۶۴.
۴۲. عسکری، مرتضی، ***معالم المدرستین***، مؤسسة النعمان، بیروت بی‌تا.
۴۳. عیاض الیحصبی، القاضی ابی الفضل، ***الشفا بتعریف حقوق المصطفی***، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۴۴. فتّال نیشابوری، محمّد بن حسن، ***روضة الواعظین***، تحقیق: حسین الأعلمی، مؤسّسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۴۵. فیض کاشانی، محمّد بن شاه مرتضی، ***تفسیر الصافی***، مکتبة الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۴۶. فیض کاشانی، محمّد بن شاه مرتضی، ***الوافی***، کتابخانهٔ امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۴۷. قاسمی، محمّد جمال‌الدین، ***محاسن التأویل***، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۴۸. قرطبی، محمّد بن احمد، ***الجامع لأحکام القرآن***، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیر القمی***، مطبعة النجف الأشرف، نجف، بی‌تا.
۵۰. کلینی، ابو جعفر محمّد بن یعقوب، ***الکافی***، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۷ش.
۵۱. مازندرانی (ابن شهرآشوب)، محمّد بن علی، ***مناقب آل أبی طالب (المناقب لإبن شهرآشوب)***، المطبعة العلمیّة، قم، بی‌تا.
۵۲. مجلسی، محمّدباقر، ***بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمّة الأطهار*** علیهم‌السلام، مؤسّسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۵۳. مجلسی، محمّدباقر، ***مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*** صلی‌الله‌علیه‌وآله، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۸ق.
۵۴. محمدی، علی، ***حفظ هویت اسلامی در مساجد***، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۵۵. مرتضی، علی بن الحسین، ***الذریعة الی اصول الشریعة***، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶ش.
۵۶. مفید، محمّد بن محمّد، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، تحقیق: مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، مؤسّسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۳ق.

۵۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ش.
۵۸. مناوی، محمّد عبدالرئوف، ***فیض القدیر***، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۵۹. نجفی، محمّدحسن، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام***، تحقیق: عباس قوچانی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ش.
۶۰. نوری، میرزا حسین، ***مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل***، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۶۱. هندی، محمّد بن عبدالهادی، ***حاشیة السندی علی النسائی***، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.